



آگاه و خوش ذوق کمی بسته است. از یک طرف قوانین غیر اصولی و نظارت ضعیف شهرداری و از طرف دیگر کارفرماهایی که قرار است هزینه کنند و آگاهی یا دغدغه لازم را ندارند متأسفانه. ریال و پز ساختمان برایشان مهم تر است تا سرزندگی فضا.

معمار آگاه و خوش ذوق باید سعی بکند که آگاه سازی انجام بدهد برای مشتریان. مهارت قانع کردن داشته باشه و متقاعد کند افراد را.

علاوه بر آن ما مثال های فوق العاده ای از معماری پایدار در شهر های فوق مدرن جهان داریم که معمار معاصر ایرانی موظف است معماری چنین شهرهایی را مطالعه کند و با راه حل هایی که بقیه کشور های دغدغه مند در این زمینه دارند، آشنا بشود و سعی بکند از آن راه حل ها تا جایی که قوانین اجازه می دهد در طراحی اش استفاده بکند و حتا آن راه حل ها را توسعه بدهد و با فرهنگ و معماری ایرانی ادغام بکند و به قولی ورژن ایرانیزه شده معماری مدرن را ارائه کند.

۸ در حد یه مثال کوچک بگویم. افراد ثروتمند (یا ثروتمند نما) ترجیح می دهند خانه هایی شبیه به قصر های غربی داشته باشند. منطقی است که یک قصر یا یه کلیسا ابعاد انسانی نداشته باشه چون می خواد حس عظمت فضا را به انسان القا کند و افراد را (که فقط چند ساعت قراره آنجا وقت بگذرانند) تحت تاثیر هیجان قرار بدهد و حتا تحقیر کند. جالب است که افراد از روی نا آگاهی این حس ها رو آوردند توی خانه هایی که شبانه روزشان را در آن می گذرونن و می بایست باید حس آرامش داشته باشند اما ندارند فقط به این دلیل که ثروتمند بودن صاحب ملک را به رخ مردم بکشند.

■ معماران جوان و متخصص و خوش فکر در میان نسل امروز چه کار می توانند بکنند که مسیر معماری خانه ها و شهر های ایرانی روی ریل درست خودش قرار بگیرد؟
بینین در چنین جوامعی دست معمارهای

رنگ های خنثای موجود در طبیعت بود و در حد چند ظرف و فرش توسط خودشون ساخته می شده که رنگ شاخص داشتن پس تعادل شاخص و غالب رعایت می شده. ۷ و قطعاً حیاط مرکزی امکان داشتن فضای سبز با گیاه و درخت و المان های آبی را فراهم می کرد.

■ تمام این موارد را برعکس کنیم، می بینیم چرا در معماری معاصر این اتفاق ها نمی افتد.

خونه هایی با دیوارهای پوشیده از کاغذ دیواری های بنفش و قرمز و طلایی قطعاً دلنشین و سرزنده نیستند.

بحث حریم و امنیت و قوانین شهرسازی اجازه ایجاد بازشوهای بزرگ را نمی دهد. ابعاد کوچک زمین های تفکیک شده مسکونی و آپارتمانی و ضعف طراحی موجب شده فضای سبز و حیاط های اصولی نداشته باشیم.

و فاجعه بار ترین مورد به نظرم بحث تقلید از فضاهای غربی هست که مبحث مفصلیه.